

نقش میانجی‌گر خودکارآمدی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

مزگان سیفی*

قادر بازارویچ قادراف**

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی و خودکارآمدی براساس سبک‌های فرزندپروری دانش‌آموزان دبیرستانی شهر دوشنبه تاجیکستان بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری پژوهش شامل تمام دانش‌آموزان پایه متوسطه در نیم‌سال تحصیلی اول ۱۳۹۱-۱۳۹۰ در شهر دوشنبه به تعداد ۱۰۰۰۰ نفر بود که از میان آن‌ها ۳۰۰ نفر از ۶ دبیرستان که شرایط ورود به پژوهش را دارا بودند به روش نمونه‌برداری چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) و پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر، مادوکس، مرکاندانت، پریتس-دان، جاکوبز و همکاران (۱۹۸۲) و معدل‌های دانش‌آموزان بود. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده گردید. نتایج نشان داد سبک فرزندپروری دموکرات ($P=0/001, \beta=0/508$)، سبک فرزندپروری دیکتاتورمآبانه ($P=0/016, \beta=-0/132$) و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ($P=0/001, \beta=-0/135$) پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی می‌کنند. سبک فرزندپروری دموکرات ($P=0/001, \beta=0/405$)، سبک فرزندپروری دیکتاتورمآبانه ($\beta=-0/321$)، و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ($P=0/001, \beta=-0/113$) خودکارآمدی را پیش‌بینی می‌کنند. با توجه به نتایج به دست آمده، تدوین برنامه‌های آموزشی مؤثر و ارائه روش‌های مشاوره به خانواده جهت استفاده از بهترین سبک فرزندپروری به منظور افزایش پیشرفت تحصیلی و خودکارآمدی در بین خانواده‌ها پیشنهاد می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: پیشرفت تحصیلی، خودکارآمدی، فرزندپروری

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه صدرالدین عینی، دوشنبه، تاجیکستان (نویسنده مسئول)

** استاد، دانشگاه آکادمی تحصیلات تاجیکستان

مقدمه

رشد مغزی کودک و نوجوان به شدت به درون‌دادهایی که از محیط اجتماعی دریافت می‌کند، حساس است (لومانوسکا، بویوین، هرترمن و فلیمینگ، ۲۰۱۷). بنابراین، در میان اعضای جامعه، کودک و نوجوان به عنوان فردی که دارای حساسیت و احساس‌های طبیعی و ویژگی‌های شناختی گسترده برای یادگیری است به نظارت بعد از مراقبت شخصی نیاز دارد. پیشرفت یک جامعه صرفاً با رشد کودک و نوجوان‌های آن جامعه - کسانی که از لحاظ جسمانی و روانی اجتماعی قوی هستند - امکان‌پذیر است (بیلدیریم، بیدیلی و گوگولا، ۲۰۱۵). در هر جامعه سلامت کودکان و نوجوانان اهمیت ویژه‌ای دارد و توجه به بهداشت روانی آن‌ها کمک می‌کند تا از نظر روانی و جسمی سالم بوده، نقش اجتماعی خود را بهتر ایفا کنند. در این راستا، شناخت صحیح ابعاد مختلف جسمی و روانی این گروه سنی و کوشش در راه تأمین شرایط مادی و معنوی مناسب برای رشد بدنی، عاطفی و فکری آنان واضح‌تر از آن است که احتیاج به تأکید داشته باشد (نظری، کاکاوند و مشهدی فراهانی، ۱۳۹۴).

پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تحت تأثیر عوامل متعددی است که از جمله این عوامل می‌توان به سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی اشاره کرد (آبشا، ۲۰۱۲). در پژوهش‌های مختلفی نشان داده شده که بین هر یک از سبک‌های فرزندپروری با پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد، از جمله می‌توان به پژوهش‌های اژه‌ای، غلام‌علی لواسانی، مال احمدی و خضری آذر (۱۳۹۰) و تنهای رشوانلو و حجازی (۱۳۸۸) اشاره کرد. نتایج پژوهش‌ها همچنین نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین باورهای مربوط به خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی وجود دارد و دانش‌آموزان با خودکارآمدی بالا در آزمون‌های مربوط به نوشتن، نمرات بالایی داشته‌اند، همچنین دانش‌آموزان دارای خودکارآمدی پایین خود را شکست خورده و ناتوان قلمداد می‌کنند و تلاش کمی برای بهبود وضعیت تحصیلی خود انجام می‌دهند (فیلدز، جارسولد، لولین، واردل و فیشر، ۲۰۱۵). خودکارآمدی^۱ مفهومی است که بندروا^۲ (۱۹۷۷) معرفی کرد (نیکولاس، مک‌گویری و اصغری، ۲۰۱۵). بندروا (۱۹۷۷؛ ۱۹۸۲؛

1. self-efficacy

2. Bandura

۱۹۹۷) خودکارآمدی را اعتماد فرد در مورد توانایی خود در موفقیت در کسب نتیجه مطلوب در شرایطی مشخص تعریف کرد و خودکارآمدی را تعیین کننده میزان تلاش و پایداری و دوام افراد در مقابله با موانع و تجربیات نامطلوب دانست (جاکوبسن، وانگ، وانگ و فان، ۲۰۱۴). در پژوهش دیاکونا-قراسیم و مایریان (۲۰۱۶) رابطه معناداری بین سبک‌های فرزندپروری و پیشرفت تحصیلی به دست آمد. ترنر، چندلر و هفر (۲۰۰۹) در پژوهش خود نشان دادند که فرزندپروری دموکرات هم بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان و هم انگیزش درونی و خودکارآمدی تحصیلی اثر دارد.

تعامل روزمره بین کودکان با والدین خود موجب رشد جسمانی، هیجانی و شناختی آن‌ها می‌شود (قدسی، صریحی و آفایوسفی، ۱۳۹۳). شیوه‌های والدگری به‌عنوان مجموعه‌ای از نگرش‌های والدین نسبت به فرزندان تعریف می‌شود که منجر به جو عاطفی می‌شود که در آن جو رفتارهای والدین بروز پیدا می‌کند (نظری و همکاران، ۱۳۹۴). والدگری فعالیت پیچیده‌ای شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به‌طور مجزا یا در تعامل با یک‌دیگر بر رشد کودک تأثیرگذار است. بامریند (۱۹۹۱) روش‌های والدگری را براساس تفاوت‌های آن در کنترل فرزندان متمایز کرده و سه الگوی رفتاری والدین را در تعامل با فرزندان مشخص ساخته که شامل والدین قاطع و اطمینان‌بخش یا مقتدر منطقی، والدین مستبد و دیکتاتور و والدین سهل‌گیر است.

بهترین توصیف نوجوانی فرایند پیشرفت است که مشخصه آن افزایش توانایی تسلط بر چالش‌های پیچیده تکالیف تحصیلی، اجتماعی، بین فردی و هیجانی و در عین حال، جستجوی هویت‌های اجتماعی و علایق جدید است (فتح‌اله‌زاده، باقری، رستمی و دربانی، ۱۳۹۵). از آن‌جاکه فرزندان هر خانواده، آینده‌سازان مملکت هستند، پیشرفت تحصیلی آن‌ها امری است که پس از سلامت جسمی و روانی، از اهمیت ویژه برخوردار است. والدین از طریق سبک فرزندپروری خود اثرات بسیار مهم و چشم‌گیری در پیشرفت تحصیلی فرزندان‌شان در سطوح مختلف آموزش دارند. نوجوان‌ها و جوان‌ها، برای موفقیت در آموزش عالی و زندگی‌شان نیازمند اعتماد، حمایت، روابط نزدیک با خانواده، خصوصاً والدین‌شان هستند (شاکسمیت، هندری و گلندینینگ، ۲۰۰۵). آموزش عالی در هر کشوری یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت آن کشور در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است (آبوما، ۲۰۰۹) و این مسئله نیز بر اهمیت

و ضرورت پژوهش حاضر نیز می‌افزاید. پژوهش‌هایی کمی به صورت یکپارچه به بررسی متغیرهای پژوهش حاضر پرداخته‌اند.

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمام دانش‌آموزان پایه متوسطه به تعداد ۱۰۰۰۰ نفر بود که در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ در شهر دوشنبه (کشور تاجیکستان) مشغول به تحصیل بودند. برای نمونه‌برداری از روش نمونه‌برداری چندمرحله‌ای تصادفی استفاده شد، به این ترتیب از بین مدارس متوسطه شهر دوشنبه، ۶ مدرسه در مرحله اول و در مرحله بعد از هر مدرسه ۳ پایه متوسطه به صورت تصادفی انتخاب شدند. به این ترتیب ۳۰۰ نفر (با توجه به این که حداقل حجم نمونه برای پژوهش‌های رگرسیون ۲۰۰ نفر پیشنهاد شده است) آستین و استیبرگ، ۲۰۱۵؛ و با بیش برآورد) از دانش‌آموزان دوره متوسطه ابزارهای پژوهش را تکمیل کردند. از جمله ملاک‌های ورود به پژوهش تحت سرپرستی بودن والد مادر در طول دوران کودکی و نوجوانی بود. همچنین از جمله ملاک‌های خروج از پژوهش شامل معلولیت‌های جسمانی و بیماری‌های مزمن و مصرف دارو بود.

ابزارهای پژوهش حاضر از قرار زیر است:

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند^۱. برای ارزیابی سبک‌های فرزندپروری بامریند از پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) استفاده شد. شامل ۳۰ سوال است که سه خرده‌مقیاس شیوه سهل‌گیرانه شماره سوال‌های ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۸، دیکتاتورمآبانه شماره سوال‌های ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۲۹ و شیوه دموکرات شماره سوال‌های ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰ مربوط می‌شود. در یک طیف لیکرت از «۰ = کاملاً مخالفم» تا «۴ = کاملاً موافقم» نمره‌گذاری می‌شود. بوری، لوسل، میساکانیس و مولر (۱۹۹۱) ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۱، ۰/۸۶ و ۰/۷۸ را به ترتیب برای سبک‌های سهل‌گیرانه، دیکتاتورمآبانه و دموکرات برای گروه مادران و ۰/۷۷، ۰/۸۵ و ۰/۹۲ را به ترتیب برای سبک‌های سهل‌گیرانه، دیکتاتورمآبانه و دموکرات

برای گروه پدران و روایی قابل قبولی را گزارش کردند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای این ابزار ۰/۷۷ به دست آمد.

مقیاس خودکارآمدی عمومی^۱. مقیاس خودکارآمدی عمومی شرر و همکاران (۱۹۸۲) دارای ۱۷ گویه است که هر عبارت بر اساس مقیاس لیکرت از دامنه کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم تنظیم می‌شود. نمره‌گذاری مقیاس به این صورت است که به هر ماده از ۱ تا ۵ امتیاز تعلق می‌گیرد. سؤال‌های ۱، ۳، ۸، ۹، ۱۳ و ۱۵ از راست به چپ و بقیه سؤال‌ها به صورت معکوس یعنی از چپ به راست نمره‌گذاری می‌شوند. بنابراین حداکثر نمره‌ای که فرد می‌تواند از این مقیاس به دست آورد نمره ۸۵ و حداقل نمره ۱۷ است. شرر و همکاران (۱۹۸۲) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ را برای مقیاس خودکارآمدی عمومی به دست آوردند. این مقیاس توسط بختیاری براتی (۱۳۷۵) ترجمه و اعتباریابی شده است. بختیاری براتی (۱۳۷۶؛ نقل از حیاتی، عگبھی، حسینی آهنگری و عزیزی ابرقویی، ۱۳۹۱) برای سنجش روایی سازه ای مقیاس خودکارآمدی، نمرات بدست آمده از این مقیاس را با اندازه‌های چندین ویژگی شخصیتی (مقیاس کنترل درونی و بیرونی راتر، خرده مقیاس کنترل شخصی، مقیاس درجه اجتماعی مارلو و کران و مقیاس شایستگی بین فردی روزنبرگ) همبسته کرد که همبستگی پیش بینی شده بین مقیاس خودکارآمدی و اندازه‌های خصوصیات شخصیتی متوسط (۰/۶۱) و در سطح ۰/۰۵ (معنادار) و در جهت تایید سازه مورد نظر بود. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای این ابزار ۰/۸۵ به دست آمد.

پیشرفت تحصیلی. در این پژوهش از معدل کل دانش‌آموزان در نیم‌سال اول سال ۹۱-۱۳۹۰ به عنوان نمره پیشرفت تحصیلی استفاده شد.

شیوه اجرا. پس از مراجعه به مدارس و انتخاب کلاس‌ها و کسب اجازه از معلم‌ها، دانش‌آموزان هر کلاس به صورت گروهی در داخل کلاس پرسشنامه‌ها را تحویل گرفتند تا در محیط خانه به همراه مادران‌شان پرسشنامه‌ها را تکمیل کنند و پس از یک هفته بازگردانند. برای جلوگیری از سوگیری احتمالی در پاسخ به پرسشنامه‌ها و تقویت اعتبار نتایج جمع‌آوری شده از راه‌کار ایجاد موازنه استفاده شد و با تغییر در ترتیب ارائه پرسشنامه‌ها، زمینه حفظ تعادل در اعتبار پاسخ‌ها به گویه‌های پرسشنامه‌ها فراهم شد.

1 . General Self-Efficacy Scale

در این پژوهش ملاحظات اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. تحلیل داده‌های این پژوهش به روش رگرسیون چندگانه به شرط برقراری پیش‌فرض‌ها انجام شده است.

یافته‌ها

تعداد شرکت‌کنندگان ۱۵۰ دختر و ۱۵۰ پسر بودند. ۱۰۹ نفر (۳۶/۳ درصد) از آزمودنی‌ها در طبقه اجتماعی پایین، ۱۶۵ نفر (۵۵ درصد) در طبقه اجتماعی متوسط و ۲۶ نفر (۸/۷ درصد) در طبقه اجتماعی بالا قرار داشتند. میانگین سنی مادران دانش‌آموزان ۴۰/۴۷ و انحراف معیار آن ۷/۰۲ و میانگین سنی پدران دانش‌آموزان ۴۱/۰۱ و انحراف معیار آن ۷/۸۸ بود. از بین مادران شرکت‌کننده‌ها در آزمون ۶۶ نفر (۲۲ درصد) مدرک تحصیلی زیر دیپلم، ۱۰۰ نفر (۳۳/۳ درصد) مدرک تحصیلی دیپلم، ۶۰ نفر (۲۰ درصد) مدرک تحصیلی فوق دیپلم، ۶۵ نفر (۲۱/۷ درصد) مدرک تحصیلی لیسانس و ۹ نفر (۳ درصد) مدرک تحصیلی فوق لیسانس داشتند. از بین پدران شرکت‌کنندگان در آزمون ۵۵ نفر (۱۸/۳ درصد) مدرک تحصیلی زیر دیپلم، ۱۱۴ نفر (۳۸ درصد) مدرک تحصیلی دیپلم، ۶۶ نفر (۲۲ درصد) مدرک تحصیلی فوق دیپلم، ۵۸ نفر (۱۹/۳ درصد) مدرک تحصیلی لیسانس و ۷ نفر (۲/۳ درصد) مدرک تحصیلی فوق لیسانس داشتند.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار شامل سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵
۱. فرزند پروری - سهل‌گیرانه	۱۷/۱۹	۱۰/۶۲					
۲. فرزند پروری - دیکتاتورمآبانه	۱۷/۲۴	۱۰/۷۱	-۰/۳۵۳**				
۳. فرزند پروری - دموکراتیک	۱۸/۱۳	۱۱/۷۳	-۰/۱۳۱*	-۰/۴۳۲**			
۴. خودکارآمدی	۴۶/۴۸	۱۸/۲۴	-۰/۱۴۹**	-۰/۴۰۵**	۰/۸۶۵**		
۵. پیشرفت تحصیلی	۱۶/۴۱	۲/۳۵	-۰/۱۷۷**	-۰/۲۸۲**	۰/۶۳۷**	۰/۷۱۸**	

*P<۰/۰۵، **P<۰/۰۱

جدول ۱ علاوه بر میانگین و انحراف معیار، ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش را نیز نشان می‌دهد. همچنان‌که ملاحظه می‌شود بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و خودکارآمدی از یک سوء و پیشرفت تحصیلی از سوی دیگر همبستگی منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار وجود دارد. ضرایب همبستگی بین سبک فرزندپروری دیکتاتورمآبانه و خودکارآمدی از یک سوء و پیشرفت تحصیلی از سوی دیگر منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. در مقابل سبک فرزندپروری دموکراتیک با هر دو متغیر پیشرفت تحصیلی و خودکارآمدی همبستگی مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار داشت.

جدول ۲. کشیدگی، چولگی، ضریب تحمل و تورم واریانس متغیرهای پژوهش

متغیر	چولگی	کشیدگی	ضریب تحمل	تورم واریانس
سبک فرزندپروری - سهل‌گیرانه	۰/۴۳۹	-۱/۱۳۸	۰/۷۶۶	۱/۳۰۵
سبک فرزندپروری - دیکتاتورمآبانه	۰/۴۴۰	-۱/۱۶۷	۰/۶۳۴	۱/۵۷۶
سبک فرزندپروری - دموکراتیک	۰/۳۸۲	-۱/۴۰۷	۰/۲۴۲	۴/۱۳۸
خودکارآمدی	۰/۳۹۹	-۱/۴۰۳	۰/۲۴۷	۴/۰۴۴
پیشرفت تحصیلی	-۰/۱۴۸	-۰/۹۸۷	متغیر ملاک	متغیر ملاک

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که مقادیر مربوط به چولگی و کشیدگی هیچ کدام از متغیرها از مرز ± ۲ عبور نکرده است. بنابراین می‌توان گفت که توزیع داده‌ها برای هر یک از متغیرهای پژوهش طبیعی است (کلاین، ۲۰۰۵). همچنین نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که مسئله هم‌خطی بودن نیز در متغیرهای پژوهش رخ نداده است. زیرا که ارزش‌های عامل تورم واریانس برای همه متغیرهای پیش‌بین کوچک‌تر از ۱۰ و ضرایب تحمل هر یک از آن‌ها بالاتر از ۰/۱ بود (مایر، گامست و گوارینو، ۲۰۰۶). همچنین شاخص دوربین - واتسون برابر با ۱/۸۴۸ بود. منطبق بر دیدگاه فایلد (۲۰۰۹) شاخص دوربین - واتسون کوچک‌تر از ۲ بیان‌گر برقراری مفروضه استقلال خطاها در بین متغیرهای پیش‌بین است. مفروضه طبیعی بودن توزیع چندمتغیری داده‌ها به کمک ترسیم منحنی توزیع نمره‌های فاصله مهلنوبایس^۱ انجام شد و نتایج نشان داد که اطلاعات مربوط به ۶ شرکت‌کننده پرت‌های چندمتغیری تشکیل داده است، به همین دلیل اطلاعات مربوط به آن‌ها از بین داده‌ها حذف شد.

1 . Mahalanobis distance (D)

پس از ارزیابی مفروضه‌ها، داده‌ها با استفاده از تحلیل مسیر^۱ تحلیل شد. به همین منظور الگویی طراحی شد که در آن سه سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، دموکراتیک و دیکتاتورمآبانه هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم (با میانجی‌گری خودکارآمدی) پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند. چگونگی برازش الگو با استفاده از تحلیل مسیر ارزیابی شد. اما با توجه به این که الگوی پژوهش حاضر همانند بود و درجه آزادی برابر با صفر بود، لذا شاخص‌های برازندگی محاسبه نشد^۲. در ادامه برآورد پارامترها و ارزیابی ضرایب مسیر نشان داد که ضریب رگرسیون بین سبک فرزندپروری دیکتاتورمآبانه و پیشرفت تحصیلی علاوه بر عدم معناداری ضعیف‌تر از دیگر ضرایب مسیر است. به همین دلیل مسیر مزبور برابر با صفر قرار داده شد و با این عمل درجه آزادی به یک افزایش یافت. در ادامه بار دیگر شاخص‌های برازش الگوی ارزیابی و نتایج نشان داد که الگوی با داده‌ها براش مطلوب دارد، زیرا که شاخص مجذور کای در سطح ۰/۰۵ غیرمعنادار بود ($\chi^2=0/099, P>0/05$).

جدول ۳. ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی

و پیشرفت تحصیلی

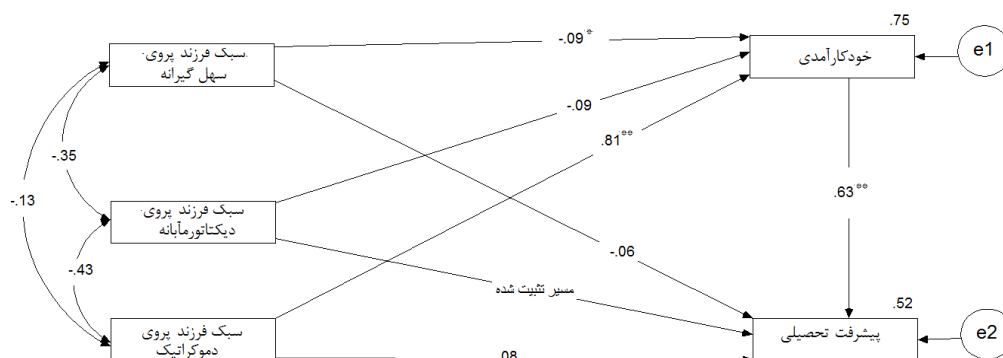
مسیرها	b	S.E	β
سهل‌گیرانه- پیشرفت تحصیلی	-۰/۰۲۶	۰/۰۱۱	-۰/۱۱۸
دیکتاتورمآبانه- پیشرفت تحصیلی	-۰/۰۱۳	۰/۰۰۷	-۰/۰۵۵
دموکراتیک- پیشرفت تحصیلی	۰/۱۲۱	۰/۰۱۰	۰/۵۹۸
سهل‌گیرانه- پیشرفت تحصیلی	-۰/۰۱۴	۰/۰۰۹	۰/۰۶۵
دیکتاتورمآبانه- پیشرفت تحصیلی	این مسیر تثبیت شده است.		
دموکراتیک- پیشرفت تحصیلی	۰/۰۱۷	۰/۰۲۲	۰/۰۸۵
سهل‌گیرانه- خودکارآمدی	-۰/۱۴۳	۰/۰۶۷	-۰/۰۸۹
دیکتاتورمآبانه- خودکارآمدی	-۰/۱۴۵	۰/۰۸۳	-۰/۰۸۹
دموکراتیک- خودکارآمدی	۱/۲۵۳	۰/۰۴۹	۰/۸۱۳
خودکارآمدی- پیشرفت تحصیلی	۰/۰۸۳	۰/۰۱۴	۰/۶۳۳

۱ . Path analysis

۲ . به الگوهایی که در آن درجه آزادی برابر با صفر است، الگوی همانند گفته می‌شود. زمانی که الگو همانند باشد، پارامترها برآورد می‌شود ولی شاخص‌های برازندگی برآورد نمی‌شود (هو، ۲۰۰۶).

مسیرها	b	S.E	β
رابطه سهل گیرانه- پیشرفت تحصیلی	-۰/۰۱۳	۰/۰۰۶	-۰/۰۵۶
دیکتاتورمآبانه- پیشرفت تحصیلی	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۷	-۰/۰۵۶
دموکراتیک- پیشرفت تحصیلی	۰/۱۰۴	۰/۰۱۷	۰/۰۱۵

منطبق بر نتایج جدول ۳ خودکارآمدی رابطه بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه و پیشرفت تحصیلی را به صورت منفی ($P=۰/۰۲۴$) و رابطه بین سبک فرزندپروری دموکراتیک و پیشرفت تحصیلی را به صورت مثبت ($P=۰/۰۰۱$) و با اندکی اغماض رابطه بین سبک فرزندپروری دیکتاتورمآبانه و پیشرفت تحصیلی را نیز به صورت منفی ($P=۰/۰۶۱$) میانجی گری می کند.



شکل ۱. الگوی ساختاری پژوهش

شکل ۱ نشان می دهد مجذور همبستگی های چندگانه پیشرفت تحصیلی ۰/۵۲ است، این موضوع بیان گر آن است که ۵۲ درصد از تغییرات پیشرفت تحصیلی به واسطه تغییر در نمره های سبک های فرزندپروری و خودکارآمدی تبیین می شود.

بحث

نتایج پژوهش نشان داد سبک فرزندپروری دموکرات به صورت مثبت و معنادار، سبک فرزندپروری دیکتاتورمآبانه و سبک فرزندپروری سهل گیرانه به صورت منفی و معنادار پیشرفت تحصیلی را پیش بینی می کنند. سبک فرزندپروری دموکرات به صورت مثبت و معنادار، سبک فرزندپروری دیکتاتورمآبانه و سبک فرزندپروری سهل گیرانه به صورت

منفی و معنادار خودکارآمدی را پیش‌بینی می‌کنند. این نتایج در خصوص پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی براساس سبک‌های فرزندپروری با نتایج حاصل از پژوهش‌های البرزی (۱۳۹۰) و امین آبادی، خداپناهی و دهقانی (۱۳۹۰) هم راستا است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت خانواده یکی از تأثیرگذارترین نهادهای اجتماعی در فرآیند تربیت فرزندان است. وظیفه خانواده مراقبت از فرزندان و تربیت آن‌ها، برقراری ارتباطات سالم اعضا و کمک به استقلال آن‌ها است. هیچ بستری از نظر قدرت و گستره تأثیر، با سیستم خانواده برابری نمی‌کند. خانواده بر رشد عقلانی، هیجانی و اجتماعی فرزندان تأثیرگذار است (دانش، معنوی شاد، خوشابی و حسن زاده توکلی، ۱۳۹۳). الگوهای عملکرد خانواده، یعنی ابعاد عملکردی خانواده در شیوه‌های فرزندپروری منعکس و به سبک‌های والدگری مربوط می‌شود (ماتجویک، جووانویک و ایلک، ۲۰۱۵). شکل‌های مختلف، ترکیب و ساختار خانواده ممکن است بر رشد شخصیت کودکان به روش‌های متفاوت تأثیرگذار باشد. پرورش کودکان یکی از ابعاد عملکرد والدین است و مهم‌ترین اعضای این فرایند والدین هستند (قانی، کمال و عزیز، ۲۰۱۴). سبک والدگری دموکرات و ویژگی‌هایی نظیر محبت و گرمی را در برمی‌گیرد. این والدین کودکان خود را تشویق می‌کنند نظرات خود را هر چند نادرست یا متفاوت و همچنین هیجان‌های خود را به‌درستی و کامل ابراز کنند. این سبک فرزندپروری اغلب منجر به خودتنظیمی، مقبولیت و پیشرفت تحصیلی می‌شود. درحالی‌که، سبک والدگری دیکتاتورمآبانه ویژگی‌هایی مانند سنگدلی، سخت‌گیری را در برمی‌گیرد. این والدین بی‌عاطفه هستند و به نیازهای رشد و نمو کودکان خود توجهی ندارند. این سبک فرزندپروری به مهارت‌های ضعیف اجتماعی، عزت نفس پایین و پرخاشگری منجر می‌شود و از پیشرفت تحصیلی آن‌ها جلوگیری می‌کند. والدین با سبک والدگری دموکرات انتظارهای پایینی از فرزندان خود دارند. پذیرش و مسئولیت‌پذیری بالا نسبت به فرزندان، سهل‌گیری در نگرش‌های اجتماعی، قوانین و رسوم و کنترل پایین از جانب این والدین اغلب منجر به پرخاشگری، خودکنترلی پایین، سهل‌انگاری، مشکلات عاطفی و ترک تحصیل می‌شود. در این سبک فرزندپروری عشق و علاقه فراوان یکی از والدین یا هر دو در عوض تنبیه ویران‌گر است (اسماعیلی‌کوران و امیرسرداری، ۲۰۱۵).

والدین و دیگر مراقبین کودک نقش مهمی را در شکل‌دهی، ابراز و تنظیم دنیای هیجانی کودک بازی می‌کنند (عسگرپور، کربلایی محمدمیگونی و تقی‌لو، ۱۳۹۴). والدین مقتدر معمولاً مقررات سختی برای فرزندان‌شان وضع می‌کنند و بر اجرای آن پافشاری می‌نمایند. آنان فرزندان‌شان را تشویق می‌کنند که مستقل باشند، علاقه زیادی به پیشرفت فرزندان خود دارند، بازخوردهای مثبتی نسبت به پیشرفت آنان نشان می‌دهند. باید توجه داشت که داشتن انتظارات متناسب با توانایی‌های فرزندان همراه با حد معقولی از محبت موجب افزایش پشتکار و خودکارایی فرزندان می‌شود؛ در صورتی که وجود اقتدار غیرمنطقی که براساس میل والدین به تسلط بر فرزند باشد به احساس طردشدگی، پرخاشگری و درنهایت افسردگی منجر می‌شود (شکوهی یکتا، پرند، و فقیهی، ۱۳۸۵). کودکان والدین مقتدر سطوح بالاتری از خودمختاری دارند و از صلاحیت‌های اجتماعی بیشتری نسبت به دیگران برخوردار هستند. دانش آموزان با والدین مقتدر بیشتر از دانش آموزان با والدین مستبد و سهل‌گیر، از شیوه حل مسئله در شرایط استرس‌زا، استفاده می‌کنند (خویی نژاد و همکاران، ۱۳۸۶). فرزندپروری دیکتاتورمآبانه با تقاضاهای بالای والدین و پاسخ‌دهی کم آن‌ها مشخص می‌شود. این والدین لزومی برای ارائه دلیل جهت دستورات خود نمی‌بینند و بر اطاعت و احترام بی‌چون و چرای فرزندان تأکید می‌کنند. فرزندپروری سهل‌گیرانه با تقاضاهای کم والدین و پاسخ‌دهی زیاد آن‌ها مشخص می‌شود. والدین سهل‌گیر توجه بیش از حد به فرزندان‌شان نشان می‌دهند و از آنان انتظارات کمی دارند. این والدین اغلب استقلال و آزادی زیادی به فرزندان می‌دهند، ولی معمولاً اهداف و انتظاراتی روشن برای فرزندان ترسیم نمی‌کنند (شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۸۵). والدین سهل‌گیر و بی‌بند و بار (غفلت‌کننده)، تصمیم‌نهایی را در جهت خواسته‌های کودک یا نوجوان می‌گیرند و فرزند آزاد است که به خواسته‌های والدین بی‌اعتنا باشد. والدین ظاهراً برای فردیت، درک خود، آمادگی برای تغییر، بالا بردن توانایی انسان و مساوات‌طلبی در خانواده ارزش قایل‌اند، ولی صرفاً بدین دلیل، به این ارزش‌ها اعتقاد دارند تا از زیربار مسئولیت‌شانه خالی کنند. از این‌رو، سرمشقی از بزرگسال مسئول را ارائه نمی‌دهند. از سویی، سطح ارزش افراد خانواده پایین و روابط اعضای خانواده آشفته و غیرانسانی است. با رشد ناکافی ارزش‌ها و مشخص نبودن معیار خانواده، تمایل به ناپایداری و

بی‌ثباتی در برابر مشکلات افزایش می‌یابد و نوجوان دچار نوعی دوگانگی احساس می‌شود (هدایتی، فاتحی زاده، آکوچیان، بهرامی و اعتمادی، ۱۳۸۷). در یک جمع‌بندی، سبک‌های فرزندپروری بیان‌گر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است. خانواده قادر است با حمایت از فرزندان خود، از آسیب‌های جدی وی در دوران بزرگسالی جلوگیری کند (کمالی ایگلی و ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۵). والدین از این توانایی برخوردارند که با روش‌های والدگری خود و برقراری ارتباط مناسب با فرزندان و با پرورش خودکارآمدی که در محیط خانواده و در تعامل با الگوهای ارتباطی خانواده کسب می‌شود، پیشرفت نوجوان به ویژه در زمینه تحصیلی را تسهیل کنند. تدوین برنامه‌های آموزشی مؤثر و ارائه روش‌های مشاوره به خانواده جهت استفاده از بهترین سبک فرزندپروری به منظور افزایش پیشرفت تحصیلی و خودکارآمدی در بین خانواده‌ها پیش‌بینی می‌گردد. هر پژوهشی در بطن خود محدودیت‌هایی دارد. طرح مقطعی پژوهش محدودیت‌هایی را در زمینه اسنادهای علت‌شناسی فراهم می‌آورد.

سپاسگزاری

با سپاس از دانش‌آموزان و والدین‌شان که با پژوهش‌گر در انجام این پژوهش همکاری کردند.

منابع

- اژه‌ای، جواد، غلام‌علی لواسانی، مسعود، مال احمدی، احسان، و خضری آذر، هیمین. (۱۳۹۰). الگوی علی روابط بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، اهداف پیشرفت، خودکارآمدی و موفقیت تحصیلی. *مجله روان‌شناسی*، ۳(۵۹): ۳۰۱-۲۸۴.
- امین‌آبادی، زهرا، خداپناهی، محمدکریم، دهقانی، محسن. (۱۳۹۰). نقش میانجی تنظیم هیجان‌شناختی در ادراک نوجوانان از ابعاد سبک‌های فرزندپروری و موفقیت تحصیلی آن‌ها. *مجله علوم رفتاری*. ۵(۲): ۱۱۷-۱۰۹.
- البرزی، محبوبه. (۱۳۹۰). نقش باورهای فرزندپروری و نگرش مادران به تفکر خلاق بر خلاقیت کودکان. *مطالعات زنان*، ۹(۲): ۲۴-۷.
- تنهای رشوانلو، فرهاد، حجازی، الهه. (۱۳۸۸). ارتباط ادراک از سبک فرزندپروری والدین با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی. *دانشور رفتار*، ۱۶(۳۹): ۱-۱۴.

- حیاتی، داود، عگبھی، عبدالحسین، حسینی آهنگری، عابدین، و عزیزی ابرقویی، محسن. (۱۳۹۱). بررسی رابطه ابعاد کیفیت تجارب یادگیری و احساس خودکارآمدی با فرسودگی تحصیلی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی تهران. *دو فصل نامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علم پزشکی*، ۳(۴): ۱۸-۲۹.
- خویی نژاد، غلامرضا، رجایی، علیرضا، و محب راد، تکتتم. (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر. *دانش و پژوهش در روان-شناسی کاربردی*، ۹(۳۴): ۷۵-۹۲.
- دانش، عصمت، معنوی شاد، مرجان، خوشابی، کتایون، و حسن زاده توکلی، محمدرضا. (۱۳۹۳). تأثیر سطوح خشم و شیوه های فرزندپروری مادران کودکان دچار ناتوانی های یادگیری و عادی بر خودپنداره فرزندشان. *خانواده پژوهشی*، ۱۰(۳۸): ۱۷۵-۱۹۶.
- شکوهی یکتا، محسن، پرند، اکرم، و فقیهی، علی نقی. (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری. *تربیت اسلامی*، ۲(۳): ۱۱۵-۱۴۰.
- عسگرپور، فاطمه، کربلایی محمدمیگونی، احمد، و تقی‌لو، صادق. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای آسیب کودکی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و تنظیم شناختی انطباقی هیجان در کودکان کار. *فصل نامه روان‌شناسی کاربردی*، تابستان ۱۹(۱ پی‌پی ۳۳): ۱۰۳-۱۲۱.
- فتح اله زاده، نوشین، باقری، پریسا، رستمی، مهدی، و دربانی، سید علی. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر سازگاری و خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی. *فصل نامه روان‌شناسی کاربردی*، پاییز ۱۰(۳ پی‌پی ۳۹): ۲۸۹-۲۷۱.
- قدسی، احمد، صریحی، نفیسه، و آقاییوسفی، علیرضا. (۱۳۹۳). رابطه انگیزه پیشرفت با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و جو عاطفی خانواده. *فصل نامه روان‌شناسی کاربردی*، زمستان ۸(۴ پی‌پی ۳۲): ۱۱۱-۱۳۱.
- کمالی ایگلی، سمیه، و ابوالمعالی الحسینی، خدیجه. (۱۳۹۵). تبیین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان بر اساس فرایندهای ارتباطی خانواده و کمال‌گرایی در نوجوانان دختر. *فصل نامه روان‌شناسی کاربردی*، پاییز ۱۰(۳ پی‌پی ۳۹): ۲۹۱-۳۱۰.
- نظری، فاطمه، کاکاوند، علیرضا، و مشهدی فراهانی، ملکه. (۱۳۹۴). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با شیوه‌های فرزندپروری مادران و اختلال‌های بیرونی‌شده فرزندان‌شان. *فصل نامه روان‌شناسی کاربردی*، تابستان ۹(۲ پی‌پی ۳۴): ۹۷-۱۱۸.
- هدایتی، بنت الهدا، فاتحی زاده، مریم، آکوچیان، احمد، بهرامی، فاطمه، و اعتمادی، عذرا. (۱۳۸۷). شیوه‌های فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری نوجوان. *معرفت*، ۱۳۰.

- Abesha, A. G. (2012). Effects of parenting styles, effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among African- American parochial college students. *Journal of Adolescence*, 32: 259-273.
- Aboma, O. (2009). Predicting first year university students' academic success. *Electronic. Journal of Research in Educational Psychology*, 7: 1053-1072.
- Austin, P. C., & Steyerberg, E. W. (2015). The number of subjects per variable required in linear regression analyses. *Journal of Clinical Epidemiology*, 68:627-636.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11(1): 56-95.
- Buri, J. R., Louisell, P. A., Misukanis, T. M., & Muller, R. A. (1988). Effects of parental authoritarianism and authoritative on self-esteem. *Personality and social psychology Bulletin*, 14(2): 271-282.
- Diaconu-Gherasim, L. R., & Măirean, C. (2016). Perception of parenting styles and academic achievement: The mediating role of goal orientations. *Learning and Individuals Differences*, 49:378-385.
- Fildes, A., Jaarsveld, C., Llewellyn, C., Wardle, J., & Fisher, A. (2015). Parental control over feeding in infancy, Influence of infant weight, appetite and feeding method. *Appetite*, 91: 101-106.
- Ghani, F. B. A., Kamal, S. L. A., & Aziz, A. A. (2014). The Implication of Parenting Styles on the Akhlak of Muslim Teenagers in the South of Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 114: 761-765.
- Jackson, T., Wang, Y., Wang, Y., & Fan, H. (2014). Self-Efficacy and Chronic Pain Outcomes: A Meta-Analytic Review. *The Journal of Pain*, 15(8): 800-814.
- Lomanowska, A. M., Boivin, M., Hertzman, C., & Fleming, A. S. (2017). Parenting begets parenting: A neurobiological perspective on early adversity and the transmission of parenting styles across generations. *Neuroscience*, 342:120-139.
- Matejevic, M., Jovanovic, D., & Ilic, M. (2015). Patterns of Family Functioning and Parenting Style of Adolescents with Depressive Reactions. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 185: 234-239.
- Nicholas, M. K., McGuire, B. E., & Asghari, A. (2015). A 2-Item Short Form of the Pain Self-Efficacy Questionnaire: Development and Psychometric Evaluation of PSEQ-2. *The Journal of Pain*, 16(2): 153-163.
- Sherer, M., Maddux, J. E., Mercandante, B., Prentice- Dunn, S., Jacobs, B., & Rogers, R.W. (1982). The self-efficacy scales: Construction and validation. *Psychological Reports*, 51(2): 663-671.
- Shucksmith J., Hendry L. B., Glendinning, A. (2005). Models of parenting: Implications for adolescent well-being within different types of family context. *Journal of Adolescence*, 18: 253-70.
- Turner, E. A., Chandler, M., & Heffer, R. W. (2009). The Influence of Parenting Styles, Achievement Motivation, and Self-Efficacy on Academic Performance in College Students. *Journal of College Student Development*, 50: 337-346.
- Yıldırım, B., Beydili, E., & Görgülü, M. (2015). The effects of education system on to the child labour: an evaluation from the social work perspective. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 174: 518-522.